



# تربیت دانش آموز خلاق

بتول سبزعلی سنجابی

خلاقیت است. در این مقاله می‌بینیم که روش‌های پرورش خلاقیت در دانش آموزان کدام‌اند؟ خلاق بار آوردن همهٔ افراد، خصوصاً دانش آموزان، از امور مهمی است که همواره صاحب‌نظران تعلیم و تربیت به آن توصیه کرده‌اند. این مهم با رسالت آموزش و پرورش یعنی شکوفا کردن استعدادهای بالقوه، ارتباط مستقیمی دارد. در واقع پرورش خلاقیت در نظام آموزشی به تربیت افرادی کارآفرین، مبتکر و خلاق در جامعه منجر خواهد شد. چنین افرادی در فرایند توسعهٔ پایدار جامعه و در تولید علم، دانش و فناوری نقش بسیار مهمی خواهند داشت.

پل تورنس<sup>۱</sup> و سافر<sup>۲</sup> (۱۹۸۶) ضمن انجام تحقیقی، این موضوع را که آیا کودکان می‌توانند خلاق تر شوند مورد مطالعه قرار دهند. آن‌ها عملکرد سال‌های ۱۹۷۶ و ۱۹۸۲ دانش آموزان پایه‌های اول تا دوم کالج را در تست‌های تفکر خلاق تورنس با یکدیگر مقایسه کردند که پیامد آن افزایش قابل

امروزه، دوران تحصیل مهم‌ترین بخش از زندگی هر کس را دربرمی‌گیرد. به همین دلیل رسالت نهاد آموزش و پرورش در سازگار کردن و تطبیق دادن فرد با تحولات دنیای امروز، حساسیت و حیاتی تر از سایر نهادهای اجتماعی است.

وحد عملیاتی نهاد آموزش و پرورش مدرسه است که بدون تردید می‌تواند زیربنای توسعه و بهطور کلی زیربنای همهٔ تغییرات بلندمدت در جامعه باشد. یکی از عوامل و عناصر سازمان آموزش و پرورش معلمان هستند که به عنوان مجری طرح‌ها و برنامه‌های آموزشی نقش مهمی را در تعلیم و تربیت دانش آموزان، به ویژه تربیت دانش آموزان خلاق و متعهد، بازی می‌کنند. با این حال و با وجود آنکه بسیاری از معلمان افرادی علاقه‌مند و پر تلاش هستند، اما نه تنها در برانگیختن قوای خلاقه دانش آموزان موفقیت مطلوب ندارند، بلکه آگاهانه یا ناآگاهانه در تقابل با این توانمندی‌ها قرار می‌گیرند. به راستی دلیل این امر چیست؟ باید گفت هنوز دلیل قطعی این موفق نبودن در پرورش خلاقیت معلوم نشده است، اما بی‌تردید یکی از دلایل، آشنایی اندک معلمان با شیوه‌های پرورش

به دلیل وجود  
تفاوت‌های فردی در  
دانش آموزان، تدریس  
مانند یک قالب نیست  
که برای همه به یک  
اندازه باشد

توجهی در زمینه‌های سیالیت، انعطاف‌پذیری و ابتکار دانش آموزان

قطعاً این موفق نبودن در پرورش خلاقیت معلوم نشده است، اما بی‌تردید یکی از دلایل، آشنایی اندک معلمان با شیوه‌های پرورش



یکی از عوامل و عناصر سازمان آموزش و پرورش معلمان هستند که به عنوان مجری طرح‌ها و برنامه‌های آموزشی نقش مهمی را در تعلیم و تربیت دانش آموزان، به ویژه تربیت دانش آموزان، بازی می‌کنند.

۴. خلاقیت یکی از راههای تفکر است و با هوش متراffد نیست؛

۵. خلاقیت قابل پرورش است و با محیط اجتماعی و فرهنگی ارتباط مستقیم دارد؛

۶. محصول خلاقیت می‌تواند به شکل یک اثر، یک ایده، یک راه حل، یک شیء یا به هر صورت دیگری بروز کند؛

۷. خلاقیت موروثی نیست، نوعی توانایی عمومی است که کم و بیش در همه افراد وجود دارد؛

۸. خلاقیت از تفکر و اگرana ناشی می‌شود، در حالی که همنگی و حل مسئله روزانه از تفکر همگرا سرچشمه می‌گیرد. شاید بتوان گفت، قلب عملکرد معلم در رابطه با یادگیری خلاق، شیوه‌های تدریس مناسب اوست. شیوه‌های تدریس، مجموعه مراحل یا گام‌هایی هستند که به کمک آن‌ها هدف‌های یادگیری یا تدریس محقق می‌شوند. روش تدریس در کلاس درس از نکات قابل اهمیت در پرورش خلاقیت است؛ در صورتی که اکتشافی و فعال باشد، یعنی باید روش‌هایی به کار بسته شوند که دانش آموزان را به فعالیت و ادارنده، و معلمان نیز باید جلسات بحث و گفت‌وگو شکل دهنده و دانش آموزان را با مسائل روبه‌رو کنند. کاربرد این روش‌ها توانایی‌های ذهنی یادگیرنده‌گان را افزایش می‌دهد. آنان به بازآرایی اطلاعات خود می‌پردازند و خلاقیتشان رو به فزونی می‌گذارند. علاوه بر این، با کاربرد روش اکتشافی تدریس در سطوح بالای شناختی، یعنی تعزیزیه و تحلیل، ترکیب، ارزیابی و قضاؤت صورت می‌گیرد.

به دلیل وجود تفاوت‌های فردی در دانش آموزان، تدریس مانند یک قالب نیست که برای همه به یک اندازه باشد. معلمان ناچارند به چشم اندازها و راهبردهای متنوعی تسلط پیدا کنند و در کاربرد

والاس<sup>۳</sup> در سال ۱۹۸۶، در تحقیقی با عنوان «تأثیر محیط آموزشی بر خلاقیت» که در مورد ۲۴۵ نفر بزرگ‌سال انجام داد دریافت که آنان در دوره کودکی در معرض تجربه‌های غنی و متنوع محیطی قرار داشته‌اند، به نحوی که در آن تجربه‌ها مطرح کردن سؤال و محک زدن افکارشان از طریق آزمایش‌های فعال، پی‌گیری علاقه‌هایشان در قالب سرگرمی و رشد استعدادها و مهارت‌های ویژه، تشویق می‌شده است.

در سال ۱۹۹۱ شخصی به نام نزوولی<sup>۴</sup> درباره زنان خلاق مطالعه‌ای انجام داد. سؤال اول وی در این مطالعه مربوط به نقش مدرسه در بروز خلاقیت در آن‌ها بود. به اعتقاد آن زنان، در مدرسه به تربیت عاطفی و زیباشناختی آن‌ها توجهی نمی‌شده است، اما

تقریباً تمام آن‌ها در طول دوران مدرسه یک معلم مشوق داشته‌اند. آن زنان همچنین برنامه‌های درسی پوچ را که خلاقیت در آن جایی نداشته است، عامل اصلی سرکوب خلاقیت می‌دانسته‌اند (فیلیتز، ۲۰۰۰).

استرنبرگ<sup>۵</sup> و ویلیامز<sup>۶</sup> در سال ۱۹۹۶ در تحقیقی با عنوان «چگونه می‌توان خلاقیت دانش آموزان را توسعه داد»، چند روش برای تقویت و بهبود خلاقیت دانش آموزان ارائه دادند. براساس نتایج این پژوهش، افراد خلاق در حیطه ایده‌ها و راه حل‌ها، با انتخاب ایده‌ای منحصر به فرد که دیگران آن را نادیده می‌گیرند شروع می‌کنند و دیگران را مقاعده می‌کنند که ایده‌شان ارزشمند است. ظهور خلاقیت به عوامل و عناصر فردی و اجتماعی وابسته است. بر طبق یافته‌های پژوهشی، معلمان عموماً نسبت به خلاقیت و شیوه‌های پرورش آن شناخت کافی ندارند.

خلاقیت از جمله موضوعاتی است که تعریف آن با مشکل مواجه است. در سه دهه اخیر، عده‌ای از صاحب‌نظران سعی داشته‌اند که تعریف جامعی از این موضوع عرضه کنند و تاکنون نظریه‌ها و تعریف‌های گوناگونی هم در این باره ارائه شده است که هر کدام بر جنبه‌هایی خاص از آن تأکید کرده‌اند. نکاتی بین این تعریف‌ها مشترک است که در اینجا بیان می‌شود:

۱. خلاقیت فرایندی فکری و روانی است؛

۲. خلاقیت پدیده‌ای نو و بدیع و دارای ارزش است؛

۳. خلاقیت فرایندی است هدفدار، برای نفع شخصی با گروه اجتماعی؛



معلم باید بر  
روش‌ها و شیوه‌های  
گوناگون تدریس  
سلط باشد و با توجه  
به وضعیت و نوع کلاس  
و سایر مسائل، روش  
مناسب برای تدریس  
در کلاس را برگزیند

دارند که بتوانند با استفاده از چند موضوع درسی، اطلاعات متنوع و گسترده‌ای را درباره یک موضوع مشخص یا جنبه‌های خاصی از محیط خود به دست آورند. به عبارت دیگر، نیاز دارند یک موضوع مشخص را از ابعاد گوناگون بررسی کنند. این شیوه آموزش که آموزش تلفیقی<sup>۷</sup> نامیده می‌شود، توانایی یادگیرنده را برای دریافت یا کشف ارتباط‌های نو افزایش می‌دهد و از آن طریق او را به سوی خلق الگوها، نظامها و ساختارهای جدید سوق می‌دهد.

آن‌ها انعطاف‌پذیر باشند. بنابراین، معلم باید بر روشن‌ها و شیوه‌های گوناگون تدریس سلطنت باشد و با توجه به وضعیت و نوع کلاس و سایر مسائل، روش مناسب برای تدریس در کلاس را برگزیند (وول فولک، ۲۰۰۱: ۴۰۵). آموزش سنتی به صورت عرضه نظامهای رسمی متمرکز و مجزا، بدون ارتباط درس‌ها با یکدیگر، نمی‌تواند جوابگوی نیازهای آموزشی قرن بیست و یکم باشد. دانش‌آموزان به نوعی آموزش نیاز

خلاقیت در همه انسان‌ها با درجات متفاوت وجود دارد. بروز این استعداد نیازمند بستر مناسب است. لیکن با وجود انجام پژوهش‌های متعدد در زمینه خلاقیت و آگاه شدن معلمان، هنوز تعدادی از معلمان نسبت به قابل آموزش بودن خلاقیت نظر ممنفی دارند. بررسی نتایج آماری پژوهش حاضر این نکته را خاطرنشان می‌سازد که هر چند اکثر معلمان می‌کوشند آموخته‌ها و مطالعات نظری خود را در پاسخگویی به پرسش‌نامه به کار گیرند، اما در برخی سوالات شناخت اندک برخی از آنان از شیوه‌های پرورش خلاقیت به خوبی نمایان است. حال این سؤال مطرح است که چرا با وجود آنکه اکثر معلمان نشان داده‌اند با برخی از شیوه‌های موجود پرورش خلاقیت موافق‌اند و آن‌ها را می‌پذیرند، باز هم در عمل کلاس‌هایی با شیوه‌های تدریس سنتی که مانع بروز خلاقیت در دانش‌آموزان می‌شوند، وجود دارند؟

#### بی‌نوشت

#### منابع

1. Accurse, Michael S. (2004). You Can Teach Content And Creativity Skills at the Same Time? Sublimated In Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of Master of Science. <http://books.Google.com>
2. Fleitness, Denise de Souza (2000). Teacher and Student Perceptions of Creativity in Classroom Environment. Roper Review, Vol22. <http://hostage.www12.epnet.com>
3. Wool folk, A. (2001). Educational Psychology, 5TH ed. Boston: Allen and Bacon.

1. E.Poul Torrance
2. Safer
3. Wallace
4. Renzulli
5. Sternberg
6. Williams
7. Integrated